

از گوشه و کنار

منشأ بوی بد تهران پیدا نشد



رئیس شورای شهر تهران در مورد انتشار بوی نامطبوع در تهران در روز گذشته گفت: شب دوشنبه استاندار خبر آخر اعلام کردند و گفتند که منشأ آن پیدا نشده است و شرکت آب و فاضلاب نیز مسئولیت آن را نپذیرفته است. به گزارش ایسنا، محسن هاشمی به شوخی بیان کرد: البته یکی از دوستان به طنز گفت گندی زدیم که بویش در آمده است. هاشمی در پاسخ به این پرسش که سال گذشته نیز همین بو منتشر شده بود به شوخی اظهار کرد: مثل این که قضیه امنیتی است.

نبرد استانداردهای سلامت روان در ۳۰ درصد دانش آموزان



معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفت: ۲۰ درصد دانش آموزان تمامی مقاطع تحصیلی در حوزه سلامت روان از استانداردهای لازم برخوردار نیستند و یک درصد دانش آموزان نیاز به خدمات اورژانسی در حوزه آسیب‌های روانی دارند. به گزارش ایسنا، علیرضا کاظمی اعلام کرد: باید در آموزش و پرورش به دنبال ارتقای آگاهی، توانمندی و مهارت دانش آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی با طرح‌های مختلف باشیم. وی در ادامه با تاکید بر اینکه سلامت روان و سلامت اجتماعی دانش آموزان زیربنای تعالی نظام تعلیم و تربیت است، خاطر نشان کرد: در کنار سلامت جسمی، توجه به سلامت روحی و روانی دانش آموزان به عنوان آینده سازان کشور ضرورت دارد.

کمبودی در داروی آنفلوآنزا وجود ندارد

سخنگوی سازمان غذا و دارو گفت: تعداد فراوانی از افراد جامعه نیاز به واکسن آنفلوآنزا دارند و سوجوین در زمینه واکسن و داروی آنفلوآنزا تقاضاهای القایی با مقاصد تجاری ایجاد کرده‌اند و هیچ نگرانی درباره واکسن و داروی آنفلوآنزا وجود ندارد. به گزارش ایرنا، کیانوش جهانبور درباره تقاضای القایی ایجادشده برای فروش واکسن و داروی آنفلوآنزا اضافه کرد: وزارت بهداشت تعهدات لازم را برای موارد ضروری در نظر گرفته و اگر کسی به واکسن نیاز داشته باشد، واکسن دارو موجود است. هیچ گونه نگرانی در زمینه داروی آنفلوآنزا وجود ندارد و بر اساس روند مصرف سال‌های گذشته و حتی پیش از آن، داروی آنفلوآنزا تا نوروز ۱۳۹۹ ذخیره شده است. جهانبور اظهار کرد: مردم باید به توصیه‌های وزارت بهداشت در زمینه پیشگیری و درمان آنفلوآنزا توجه کنند. زیرا در ایپیدی یا شیوع یک بیماری، حسگرهای برخی افراد سودجو برای کسب منافع اقتصادی فعال می‌شود. برای مقابله با این اتفاقات باید مردم را آگاه کرده و واقعیت‌ها را منعکس کنیم. او ادامه داد: افراد تصور نکنند که واکسن آنفلوآنزا ایمنی کامل می‌دهد و دوم اینکه بدانند در میانه تزریق کند، حداقل دو هفته برای شروع مصونیت نسبی زمان لازم است و به در این روزها نمی‌خورد و سوم اینکه قرار نیست در یک جامعه همه در برابر آنفلوآنزا واکسن شوند و این موضوع فقط مربوط به گروه‌های خطر است و چهارم اینکه افراد بدانند قسمت عمده بیماران نیازی به دریافت داروی اسلتامیویر (تامیفلو) ندارند و با توجه به مباحثی که در زمینه مقاومت در برابر این دارو مطرح شده و حتی گزارش‌هایی نیز از این دارو و انارک و کشورهای دیگر در این زمینه منتشر شده، توزیع دارو باید کنترل شده باشد و تعداد افراد پر خطر را بیماران بستری در بخش‌های ویژه‌ای بفرستند. جهانبور بیان کرد: با توجه به خلف وعده یکی از تولیدکنندگان داخلی داروی اسلتامیویر (تامیفلو) که قرار بود این دارو را تولید کند و این کار را انجام نداد، آنچه در حال حاضر در بازار وجود دارد، داروی وارداتی است و در هفته‌های گذشته وارد شده و در اختیار معاونت بهداشت وزارت بهداشت قرار گرفته است. این دارو به صورت کنترل شده در اختیار مراکز بهداشتی و درمانی قرار گرفته و ذخیره کافی نیز موجود است.

تقریباً هیچ یک از مدارس ما برای معلولین مناسب سازی نشده‌اند و از این جهت دانش آموزان معلول در مدارس با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند

کشور است و معلولین هم از این قاعده مستثنی نیستند. ما رفتن به مدرسه یکی از مشکلات آن‌هاست. نامناسب بودن مدارس و دانشگاه‌ها یکی از عوامل ترک تحصیل این قشر است. باید قبول کنیم تا زمانی که زیرساخت‌های جامعه برای افراد معلول فراهم نباشد، این افراد نمی‌توانند در جامعه فعالیت کنند و ادامه تحصیل نیز یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین فعالیت‌هاست. تقریباً هیچ یک از مدارس ما برای معلولین مناسب سازی نشده‌اند و از این جهت دانش آموزان معلول در مدارس با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. به عنوان مثال اگر کلاس‌ها در طبقات برگزار شود، دانش آموزان دارای معلولیت جسمی نمی‌توانند در طبقات تردد داشته باشند. از سوی دیگر برخی مدیران مدارس نیز از پذیرش دانش آموزان معلول به این دلیل که تردد آن‌ها در طبقات مشکل است، خودداری می‌کنند. بارها در مدارس مختلف دیده شده که مدیر مدرسه به دلیل اینکه دانش آموز روی ویلچر بوده و با دارای ناهنجاری‌های فیزیکی بوده است از پذیرش آن دانش آموز باین بهانه که وجود آن‌ها در مدرسه باعث تضعیف روحیه سایر دانش آموزان خواهد شد، خودداری کرده‌اند. این در حالی است که اتفاقاً این بچه‌ها اغلب با سایر دانش آموزان عادی ارتباط خوبی برقرار می‌کنند و سایر دانش آموزان نیز نسبت به آن‌ها احساس همدلی و مهربانی خاصی دارند. در حال حاضر در بیشتر نقاط دنیا معلولین جسمی و حرکتی و حتی نابینایان با دانش آموزان عادی در یکجا تحصیل می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود وزارت آموزش و پرورش در این مورد اقدامی قاطع انجام دهد و همچنین تدابیری اندیشیده شود که دانش آموزان معلولی که توانایی یادگیری خوبی دارند و از سلامت هوشی و ذهنی نیز برخوردار هستند، به راحتی بتوانند در کنار سایر دانش آموزان عادی تحصیل کنند.

موارد یادشده تنها بخشی کوچک از مشکلات معلولین کشور است و این طور که شواهد نشان می‌دهد با پشت سر گذاشتن «روز جهانی معلولین» به محاقی فراموشی سپرده خواهند شد. در کشور ما طرح مسائل و مشکلات در مناسبت‌ها و روزهای ویژه و سپس فراموش کردن و برنداشتن گام عملی برای از میان برداشتن آنها، مرسوم و سابقه‌دار است.

پایدار در مجمع عمومی سازمان ملل، بر خور داری معلولان از فضای شهری و شهر سازی مناسب برای رفت و آمد و زندگی است. متولیان اجرای لایحه جامع حمایت از حقوق معلولان در ایران، وزارت راه و شهر سازی، شهرداری‌ها، وزارت رفاه اجتماعی و تعاون و سازمان بهزیستی هستند. این لایحه ۶۶ ماده‌ای، در اسفند ۱۳۹۴ پس از یک توقف ۱۰ ساله در هیئت وزیران به تصویب رسید و بخش‌هایی از آن برای اجرا به دستگاه‌ها ابلاغ شد. فصل دوم این لایحه، به مناسب سازی، دسترسی پذیری و تردد و تحرک معلولان حرکتی اختصاص دارد. ماده دوم این فصل، کلیه دستگاه‌های مشمول را مکلف می‌کند در طرح‌های آبی و در دست تهیه خودشان، ساختمان‌ها و تأسیسات را طبق برنامه ریزی و هدف گذاری معین، تا افاق ۱۴۰۴ مناسب سازی کنند. نخستین ضوابط و مقررات شهر سازی و معماری برای عبور و مرور معلولان در سال ۱۳۶۸ تدوین شده و شامل استانداردهایی برای عرض پیاده‌روها، شیب آن‌ها، هم سطح بودن در پوش تأسیسات با کف پیاده‌روها، جدول، پارکینگ ویژه معلولان، تلفن عمومی، صندوق پست، سرپناه در ایستگاه‌ها، هم سطح بودن ورودی ساختمان‌ها با کف خیابان، پلکان و واجد علامت‌های حسی برای نابینایان و هم چنین ابعاد مناسب اتاقک آسانسور هاست. در این ضوابط حتی تعیین شده که هتل‌ها، مراکز دولتی، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، ادارات پست، بیمارستان‌ها، آسایشگاه‌ها، مراکز ورزشی، فرهنگی و مذهبی نیز برای رفت و آمد و استفاده معلولان حرکتی و نابینایان بهینه سازی شده باشند.

نصب علائم صوتی و تصویری برای نابینایان و ناشنوایان نیز جزء ضروریات زندگی شهری تعیین شده است؛ اما واقعیت‌ها چیز دیگری هستند. در تهران که جابه جایی و تردد افراد سالم نیز به خاطر فرسایش ترافیک، خیابان‌ها و پیاده‌روهای ناهموار و ورودی‌های نامناسب ساختمان‌ها یا دشواری همراه است، زندگی ویلچر نشین‌ها، نابینایان یا بیماران مبتلا به ام‌اس و اختلالات حرکتی به نوعی قفل می‌شود.

**معضلی بزرگ به نام مدرسه**  
تحصیل حق طبیعی تمام اتباع یک

نمی‌گنجد. این قانون، اسفند ۱۳۹۶ به تصویب رسیده و اردیبهشت ۹۷ برای اجرا به دستگاه‌های ذی ربط ابلاغ شده است و انجام تعهدات مندرج در آن اما به دست انداز بودجه، کمبود منابع مالی و ناهماهنگی‌های اداری و ساختاری افتاده است.

**شهری علیه معلولان**  
حالا فراغ از برخی مسائل نظیر آمار یا قوانین روی کاغذ نوشته شده، موضوعات ملموس تری برای معلولان وجود دارد.

یکی از مسائلی که این قشر همیشه به آن معترض هستند کمبودها در فضای شهری است. یکی از اهداف سازمان ملل در بهینه سازی وضعیت معلولان، ایجاد شهرهای مناسب برای زیست و حرکت آن‌هاست. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: شهر سازی در ایران چقدر با حقوق معلولان هم پیوندی دارد؟ یکی از اهداف هفده گانه طرح توسعه

حقوق را بیان و حتی به خود متهمان تفهیم و صدا البته آن را مراعات می‌کنند. در حال تر این حدمی دانیم که بسیاری از این متهمان جوانانی هستند ناراحت و ناامید و سرخورده که در اثر ضعف ساختاری نظام آموزش و پرورش مایشویه‌های درست اعتراض را نیاموخته‌اند، حقیقت نهادی به نام دولت را نشناخته‌اند، اعتباری بودن آن را ندانند بلکه دولت را به عنوان موجودی حقیقی که بسیار ثروتمند است و در تقابل با فقر می‌داند و همین طور درک آموخته شده و مجری از اموال عمومی ندارد.

در حال باید حق اعتراض و حقوقی از این قبیل، ذیل عنوان حقوق مدنی و حقوق شهر وندی از دور دبستان آموزش داده شود و البته و صدا البته ضمن برنامه‌ها و پروژه‌های آموزشی عملی در عمل هم به کار گرفته شوند تا به تدریج دارای نسل و همین طور مدیرانی شویم که به حق شهر وندی اعتقاد صادقانه داشته باشند. علی ایحال، به نظر می‌رسد یکی از ابتدایی ترین کارها این است که مسئولان کشور با تواضع تمام دست به یادگیری لوازم اساسی مدیریت جامعه زده و با درک جدی از حقوق مردم باور کنند که مردم حق دارند نسبت به تصمیمات آن‌ها اعتراض کنند. علاوه بر آن، باور مندی به اینکه حکومت همچنین مسئول تأمین امنیت اعتراض کنندگان است.



آمار دقیق معلولان در ایران مشخص نیست و آمار اعلام شده کمتر از نرم جهانی است. وقتی آمار دقیق نباشد، برنامه ریزی برای حل مشکلات دشوار و حتی غیر ممکن است و این، زندگی را برای معلولان سخت تر می‌کند

دست نیست که در سر شماری‌های آینده آن را در نظر می‌گیریم. با این وجود، بر اساس اطلاعات موجود، یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر تحت پوشش بهزیستی هستند و از خدمات مختلف سازمان استفاده می‌کنند. «نفریه در پاسخ به اینکه چرا بهزیستی آمار دقیقی از معلولان ندارد، پاسخ داد: «معلولانی به بهزیستی مراجعه می‌کنند که نیازمند هستند خدمات خاصی می‌گیرند، مانند معلولان شدید و خیلی شدید که تقریباً تعداد آن‌ها یا آمارهای موجود همخوانی دارد. معلولانی که وضعیت مالی بهتری داشته یا خود کفا هستند به ما مراجعه نمی‌کنند تا آمار دقیقشان ثبت شود.»

**حقی که از معلولان ضایع می‌شود**  
نبود آمار درست از تعداد معلولین نشان می‌دهد تعداد زیادی از معلولین از قلم افتاده‌اند و ثبت نام حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سازمان بهزیستی به معنای آمار واقعی این جامعه نیست.

قانون جامع حمایت از معلولان نیز در بن بست تخصیص بودجه قرار دارد. ماده اول قانون جامع حمایت از معلولان، دولت را به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تأمین حقوق معلولان موظف می‌کند. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی موظف‌اند دسترسی افراد معلول به خدمات اجتماعی و عمومی را فراهم کنند. دولت باید افراد دارای معلولیت را تحت پوشش بیمه درمانی و بیمه تکمیلی قرار دهد. ۳ درصد استخدام‌ها در دستگاه‌های مصرف کننده بودجه عمومی کشور، باید به معلولان اختصاص داشته باشد. وزارت مسکن و شهر سازی باید حداقل ۱۰ درصد از واحدهای ارزان را به معلولان نیازمند تخصیص دهد. صاوسما وظیفه دارد دستکم ۲ ساعت در هفته، در ساعات مناسب، برنامه‌هایی با کیفیت برای آشنایی مخاطبان با جامعه معلولان تهیه کند و موارد دیگری که در اینجا

طبق تعریف قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، منظور از معلول فردی است که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم با اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد و موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. در ایران آمار اما دقیق‌تری در رابطه با تعداد معلولان در دست نیست. سال گذشته همایون هاشمی، نماینده مردم میاندوآب، شاهین دژ و تکاب در مجلس گفته بود: «در شرایط کنونی ۱۰ میلیون نفر جمعیت معلول در کشور وجود دارد که از این تعداد ۴ میلیون نفر دارای معلولیت خیلی شدید و ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت معلولان از زبان انوشیروان محسنی بندپی در زمان ریاستش در سازمان بهزیستی یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیان شده بود. طبق آمار جامعه جهانی، معلولان ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. به عبارتی با یک محاسبه سرانگشتی در کشور ما نیز حداقل ۸ میلیون نفر دچار انواع معلولیت هستند. اما از هر اسامی می‌گوید طبق آمار بهزیستی، یک میلیون و ۳۰۰ هزار معلول در کشور داریم که سالانه نیز بر این تعداد اضافه می‌شود. آمار دقیق معلولان در ایران مشخص نیست و آمار اعلام شده کمتر از نرم جهانی است. وقتی آمار دقیق نباشد، برنامه ریزی برای حل مشکلات دشوار و حتی غیر ممکن است و این، زندگی را برای معلولان سخت تر می‌کند. با این حال به گفته زهرا اسامی، نماینده مجلس «سالانه ۵۰ هزار نفر به آمار معلولین کشور اضافه می‌شود.»

در همین رابطه محمدنفریه، معاون توان بخشی سازمان بهزیستی می‌گوید: «تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت کشور دچار معلولیت هستند که ۳ درصد آن معلولیت شدید و خیلی شدید دارند. اما آمار و ارقام صحیح در رابطه با جمعیت معلولان در کشور، به عنوان یک کارشناس تعلیم و تربیت می‌خواهم اعتراضات و حوادث اخیر را مرور کنم، حوادثی که با کمال تأسف به کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان عزیز ما منجر شد و به طور گریزناپذیری به واگرایی اجتماعی بیشتر انجامید. سخنی که به عنوان مقدمه عرض می‌کنم این است که رفتار آدمیان همه آموختنی هستند. می‌خواهم بار عمده مسئولیت را بر کستگی‌های نظام آموزش و پرورش مملکت ببندم. به همین سیاق می‌خواهم تأکید کنم که راهبرون رفتار از این نوع چالش‌ها، که به نظر نمی‌رسد این حوادث اخیر آخرین آن باشد، انجام اصلاحات آموزشی است. نخست، درباره اعتقاد مسئولان به اینکه اعتراض حق مردم است. مسئولان کشور می‌گویند که اعتراض را یک حق عمومی می‌دانند. پرسش این است که آیا این مسئولان آموزش لازم برای درک و باور مندی جدی به محق بودن افراد در اعتراض به حاکمان را دیده‌اند؟ روشن است که یکی از شرایط ضروری برای

«روز جهانی معلولان» گذشت؛ باز هم آنها ماندند و...

چتر «حمایت»ی که بسته است

طبق تعریف قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، منظور از معلول فردی است که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم با اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد و موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. در ایران آمار اما دقیق‌تری در رابطه با تعداد معلولان در دست نیست. سال گذشته همایون هاشمی، نماینده مردم میاندوآب، شاهین دژ و تکاب در مجلس گفته بود: «در شرایط کنونی ۱۰ میلیون نفر جمعیت معلول در کشور وجود دارد که از این تعداد ۴ میلیون نفر دارای معلولیت خیلی شدید و ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت معلولان از زبان انوشیروان محسنی بندپی در زمان ریاستش در سازمان بهزیستی یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیان شده بود. طبق آمار جامعه جهانی، معلولان ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. به عبارتی با یک محاسبه سرانگشتی در کشور ما نیز حداقل ۸ میلیون نفر دچار انواع معلولیت هستند. اما از هر اسامی می‌گوید طبق آمار بهزیستی، یک میلیون و ۳۰۰ هزار معلول در کشور داریم که سالانه نیز بر این تعداد اضافه می‌شود. آمار دقیق معلولان در ایران مشخص نیست و آمار اعلام شده کمتر از نرم جهانی است. وقتی آمار دقیق نباشد، برنامه ریزی برای حل مشکلات دشوار و حتی غیر ممکن است و این، زندگی را برای معلولان سخت تر می‌کند. با این حال به گفته زهرا اسامی، نماینده مجلس «سالانه ۵۰ هزار نفر به آمار معلولین کشور اضافه می‌شود.»

در همین رابطه محمدنفریه، معاون توان بخشی سازمان بهزیستی می‌گوید: «تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت کشور دچار معلولیت هستند که ۳ درصد آن معلولیت شدید و خیلی شدید دارند. اما آمار و ارقام صحیح در رابطه با جمعیت معلولان در کشور، به عنوان یک کارشناس تعلیم و تربیت می‌خواهم اعتراضات و حوادث اخیر را مرور کنم، حوادثی که با کمال تأسف به کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان عزیز ما منجر شد و به طور گریزناپذیری به واگرایی اجتماعی بیشتر انجامید. سخنی که به عنوان مقدمه عرض می‌کنم این است که رفتار آدمیان همه آموختنی هستند. می‌خواهم بار عمده مسئولیت را بر کستگی‌های نظام آموزش و پرورش مملکت ببندم. به همین سیاق می‌خواهم تأکید کنم که راهبرون رفتار از این نوع چالش‌ها، که به نظر نمی‌رسد این حوادث اخیر آخرین آن باشد، انجام اصلاحات آموزشی است. نخست، درباره اعتقاد مسئولان به اینکه اعتراض حق مردم است. مسئولان کشور می‌گویند که اعتراض را یک حق عمومی می‌دانند. پرسش این است که آیا این مسئولان آموزش لازم برای درک و باور مندی جدی به محق بودن افراد در اعتراض به حاکمان را دیده‌اند؟ روشن است که یکی از شرایط ضروری برای

صدا دعای باور مندی به یک موضوع آن است که آن ادعا پشتوانه معرفتی داشته باشد. یعنی مدعیان کاملاً مدعیان این عبارت را فهمیده و به بنیان‌های فلسفی و نیز به پیامدهای دلالت‌های آن، هم آگاهی داشته باشند و هم آن را درست ببینند. دوم، یکی از نشانه‌های صدق در گفتار مسئولان، تعهد و تقید به دلالت‌ها و پیامدهای اظهاراتشان است. اگر مسئولان در اظهارات خود صادق باشند آن وقت باید دست به تمهیدار اظهارات منطقی برای تحقق عملی اظهارات و باورهای خود بزنند. اما چگونه است که مسئولانی که می‌گویند مردم حق اعتراض دارند تاکنون قدمی در این جهت برداشته‌اند. سوم، در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که چندان اعتقادی به نقش آموزش در تولید و تنظیم کنش‌های فردی و اجتماعی نیست و به همین سیاق، نهاد آموزش و پرورش ما هم، که متأثر از این بی‌اعتقادی عمومی است، خود را درگیر آموزش مهارت‌های اساسی زندگی نمی‌کند و به همین دلیل دانش آموزان ما ماهیت

دیروز، ۱۲ آذر روز جهانی معلولین بود. روزی که به بهانه آن نگاهی به معلولان و کمبودهای آن‌ها می‌شود. یک روز برای نگاهی هر چند کوتاه به شرایط نامطلوب آن‌ها؛ از مشکلات و فشارهای روحی که متحمل می‌شوند و نبود فضا و امکانات شهری تا شرایط اقتصادی که در این سال‌ها تحمل آن برای همه سخت بوده است. آمارهای جهانی نشان می‌دهد که نزدیک به یک میلیارد نفر، معادل ۱۵ درصد جمعیت کره زمین را افرادی تشکیل می‌دهند که به شکلی دچار معلولیت هستند. این افراد نسبت به آن‌هایی که معلولیتی ندارند، با تبعات نامناسب بیشتری در اقتصاد و جامعه، مانند آموزش کمتر، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی، نرخ پایین استخدام و مواجهه می‌شوند.

**مسئولان آمار**  
**معلولان کشور رانمی‌دانند**  
بهتر است پیش از هر چیز سراغ تعاریف ارائه شده از معلولیت برویم. سازمان بهداشت جهانی برای ناتوانی یا معلولیت تعریف گسترده‌ای در نظر گرفته. محدودیت فعالیت فرد یعنی مشکل در انجام دادن کاری و یا محدودیت مشارکت فرد یعنی عدم توانایی فرد در موقعیت‌های مختلف را ناتوانی دانسته است که به صورت نقص ساختاری یا نقص عملکرد عضو نشان داده می‌شود.

سازمان بهزیستی دو تعریف برای ناتوانی و معلولیت ارائه داده است. در دستور العمل اجرایی تعیین معلولیت مصوب معاونان سازمان بهزیستی آمده که ناتوانی عبارت است از هر گونه محدودیت و یا فقدان در انجام یک فعالیت اعم از رفتار، ارتباط و سایر مهارت‌های روزمره زندگی. در تبصره یک این دستور العمل آمده است که

یادداشت

مسعود صفایی مقدم – استاد دانشگاه  
به عنوان یک کارشناس تعلیم و تربیت می‌خواهم اعتراضات و حوادث اخیر را مرور کنم، حوادثی که با کمال تأسف به کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان عزیز ما منجر شد و به طور گریزناپذیری به واگرایی اجتماعی بیشتر انجامید. سخنی که به عنوان مقدمه عرض می‌کنم این است که رفتار آدمیان همه آموختنی هستند. می‌خواهم بار عمده مسئولیت را بر کستگی‌های نظام آموزش و پرورش مملکت ببندم. به همین سیاق می‌خواهم تأکید کنم که راهبرون رفتار از این نوع چالش‌ها، که به نظر نمی‌رسد این حوادث اخیر آخرین آن باشد، انجام اصلاحات آموزشی است. نخست، درباره اعتقاد مسئولان به اینکه اعتراض حق مردم است. مسئولان کشور می‌گویند که اعتراض را یک حق عمومی می‌دانند. پرسش این است که آیا این مسئولان آموزش لازم برای درک و باور مندی جدی به محق بودن افراد در اعتراض به حاکمان را دیده‌اند؟ روشن است که یکی از شرایط ضروری برای



ریحانه جولایی